

تأثیر فرهنگ ایران در شرق

• دکتر علی غفرانی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

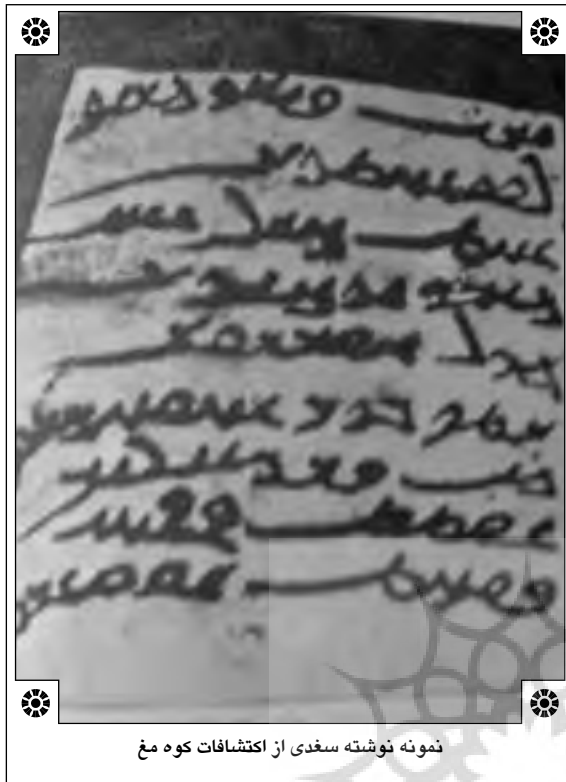
منظور از شرق، مجموعه سرزمین‌هایی است که ملت‌ها و اقوامی مانند تاجیکان، سغدیان، قرقیزان، ازبکان، قزاق‌ها، قراختائیان، مغولان و اویغورها (ترکان چینی) و ختاها در آن‌ها زندگی می‌کردند. این سرزمین‌ها از قدیم با نام‌هایی هم‌چون توران، ماوراءالنهر، ترکستان، کاشغر، استان سین کیانگ چین و در یک کلام به تعبیر جدید آسیای مرکزی نیز شناخته می‌شده‌اند. ساکنان این مناطق که عمدتاً مسلمان بوده‌اند، به هر زبانی که سخن می‌گفتند، به عنوان مسلمان یا ایرانی یا تاجیک و تات شناخته می‌شدند و زبان فارسی برای همه‌ی آن‌ها زبان قابل فهمی بود. به تعبیر مولوی شاعر و متفکر بزرگ سده‌ی هفتم هجری، ایرانیان یا ترکان در آسیای مرکزی چنان به هم آمیخته بودند که تفکیک آنان از هم‌دیگر امکان‌پذیر نبود و از همین رو بود که وقتی از هویت فردی از مردم آسیای مرکزی سؤال شد، گفت: پرسم ز کجایی تو، تسخر زد و گفت/ نیمیم زترکستان، نیمیم زفرغانه (مولوی، کلیات شمس، جلد دوم، ص ۱۰۴). آسیای مرکزی منطبق است بر بخشی از سرزمین افسانه‌ای توران زمین و قلمرو فرمانروایی تور فرزند فریدون مذکور در شاهنامه.

نکته‌ای در باب مصادیق ایران

نام «ایران» در متون تاریخی و ادبی، همیشه دو مصداق را در ذهن آگاهان به تاریخ ایران تداعی می‌کند:

۱- یک‌بار نام ایران بیانگر محدوده‌ی زمینی و جغرافیایی مشخصی است که با اندک تغییراتی از غرب به جلگه‌ی بین‌النهرین یا عراق (مزوپتامیا)، از جنوب به خلیج فارس و سرزمین بیابانی عربستان، از شمال به دریای خزر و سرزمین‌های واقع در دو طرف دریا یعنی خوارزم و قفقاز، از شرق به جلگه سند و کوه‌های هندوکش و هیمالیا و رود جیحون منتهی می‌شود. این محدوده اغلب با نام فلات ایران یا پارس نیز شناخته می‌شود. با توجه به تغییرات و تحولات سیاسی و جمعیتی در گذر تاریخ، این محدوده پیوسته دستخوش تغییر و تحولات متعدد بوده است.

۲- در معنای دوم، ایران یک معنای فرهنگی وسیع دارد؛ به طوری که علاوه بر مناطق فوق‌الذکر، سرزمین‌های دیگری را به‌ویژه در شمال شرقی دربرمی‌گیرد که در طول تاریخ شاید به سبب وسعت و گستردگی و وجود موانع طبیعی هم‌چون رودهای جیحون و سیحون و فلات تبت و پامیر و



نمونه نوشته سغدی از اکتشافات کوه مغ

بروز و ظهور پیدا می‌کرد. قیام سپیدجامگان بخارا به رهبری المقنع، پیامبر نقابدار (ابن اثیر، جلد ۳ ص ۶۳۷؛ نرشخی، ص ۱۴) و قیام اسحاق ترک در زمان خلافت منصور عباسی در این منطقه اتفاق افتاده بود.

۲- ویژگی‌های جمعیتی منطقه‌ی ماوراءالنهر و ترکستان

محققان تاریخ قدیم، مردم ساکن در آسیای میانه را به دو دسته اصلی تقسیم کرده‌اند:

دسته‌ی اول شهرنشینان و مردم یکجانشین. بررسی‌ها نشان داده است که این گروه همیشه از قبیله آریایی یعنی گروه ایرانی اقوام آریایی بوده‌اند و از حدود قرن ششم پیش از میلاد تا قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری، یعنی پیش از سلطه سیاسی و نظامی ترکان بر آن‌جا، در این منطقه فرهنگ و تمدن چشمگیری داشتند (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۹۳ و ۳۱۰-۳۰۹) و به شدت به سرزمین خود دل بسته بودند؛ به طوری که به هنگام حمله سپاه اسکندر مقدونی بدان‌جا در سده چهارم پیش از میلاد، مردم سغد در مقابله با آنان، با تمام توان از میهن خود دفاع می‌کردند و اسکندر پس از جنگ‌های سخت توانست سغد را تصرف کند (دیباکونف، ص ۱۶۳-۱۶۴).

دسته‌ی دوم ترکان بیابانگرد بودند که در اقلیت قرار داشتند و به صورت کوچ‌نشین زندگی می‌کردند و اغلب مهاجم و غارتگر شهرهای ایرانی‌نشین بودند (نرشخی، ص ۹۸-۹۹؛ فرای میراث باستانی، ص ۲۳). هرچند بارتولد احتمال داده که ترکان نیز از ایرانیان بودند و عربان گاهی به اشتباه زبان مردمان ایرانی بومی ماوراءالنهر را ترکی تلقی کرده‌اند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۷۴).

از این رو، منطقه ماوراءالنهر از نظر سیاسی و جمعیتی، تابعی از ایران بوده

دشت‌های وسیع قره قوم و قزل قوم، فرسنگ‌ها با هم فاصله داشتند و یا از نظر سیاسی تحت تابعیت و حاکمیت حکومت‌های متفاوتی بودند، اما از نظر فرهنگی، همیشه بخشی از ایران حساب می‌شدند و در تمام آن‌چه که امروزه با عنوان ویژگی‌های فرهنگی از آن‌ها تعبیر می‌شود، از جمله نام‌گذاری‌ها، اصطلاحات روزمره، زبان و آیین‌ها و حتی خوراک و پوشاک و اقتصاد، با ایرانیان ساکن در فلات ایران مشترکات فراوانی داشتند (فرای، میراث باستانی، ص ۴-۵). بر همین اساس است که ریچارد فرای محقق انگلیسی تاریخ ایران، مرز فرهنگی ایران را در شرق، ترکستان چین دانسته که به هنگام فتوحات مسلمانان، گاهی تحت نفوذ ترکان قرار می‌گرفت (فرای، عصرزین، ص ۴۴).

ایران مورد نظر فردوسی در شاهنامه، با معنای دوم هم‌خوانی دارد و در شمال شرقی بسیار گسترده و تا شمال چین را شامل می‌شود (رضا، ص ۵۶ و ۵۷ و ۶۴).

گاهی ساکنان ایرانی این مناطق، تورانی نیز نامیده شده‌اند که البته هیچ ربطی به ترکان و چینیان نداشتند (رضا، صص ۲۱ و ۶۰-۶۷؛ کریستین سن، ص ۶۸ و ۶۸)، بلکه آنان نیز ایرانیانی با تمدن و سطح فرهنگی پایین بودند و به شیوه‌ی بیابان‌گردی روزگار می‌گذراندند.

علل گسترش فرهنگ ایران در شرق

۱- ویژگی‌های جغرافیایی منطقه ماوراءالنهر و ترکستان

این منطقه‌ی گسترده از شمال به مناطق سرد استپی، از شرق به مغولستان و از جنوب به مناطق کوهستانی شمال هندوستان و چین منتهی می‌شد که بخش اعظمی از ایام سال را پوشیده از برف بود. از غرب به ایران یعنی ایالت بزرگ خراسان متصل بود. این منطقه نمی‌توانست از تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و تمدنی چین تأثیر چندان مهمی بپذیرد؛ زیرا که رابطه‌ی چینی‌ها با این منطقه خصمانه و جنگی بود و چینی‌ها با احداث دیوار بزرگ سعی داشتند از این منطقه فاصله بگیرند (رضا، ص ۴). هند نیز به سبب وجود موانع طبیعی مانند کوه‌های بلند و بی‌نیازی از این منطقه، از ماوراءالنهر فاصله داشت و نمی‌توانست تأثیر چشمگیر و ماندگاری در این منطقه بگذارد؛ هرچند در گذشته‌های دور، آیین بودایی برای مدتی در دوره‌ی حاکمیت کوشانیان به مناطق جنوبی و مرکزی ماوراءالنهر نفوذ کرده بود. در مناطق سرد شمالی و غربی نیز که مسکن بیابان‌گردان بود، پدیده‌ی ارزشمندی که با فرهنگ و تمدن ایران قابل مقایسه باشد، شکل نگرفته بود. این منطقه به سبب وجود چندین بیابان از جمله بیابان‌های گوبی، تکه مکان، قزل قوم و قراقروم و کوهستان‌های بلند و سخت و سلطه‌ی هوای بسیار سرد بر بخش‌هایی از آن، منطقه‌ای کم‌جمعیت و سکونتگاه‌های آن جدا از هم بود و بخشی از مردمانش به صورت کوچ‌نشین زندگی می‌کردند. در نتیجه طبیعی است که این منطقه که خود فاقد یک مدنیت منسجم و سامان یافته در مقایسه با کشور ایران بود، از ایران متأثر شود (نرشخی، ص ۲۶؛ بارتولد، گزیده مقالات، ص ۹۴) و الگوبرداری کند.

در دوره‌ی بعد از اسلام، آسیای میانه مرز شرقی جهان اسلامی بود و شورشیان ایرانی و تازی برای گریز از دست سپاهیان خلیفه، به آسانی می‌توانستند به آن سوی مرز راه یابند (فرای، میراث باستانی، ص ۳۹۳). گاهی مخالفت‌های ایرانیان با خلافت‌های عربی به صورت شورش‌هایی در مناطق ماوراءالنهر

سرزمین‌های شمال شرقی در طول تاریخ شاید به سبب وسعت و گستردگی و وجود موانع طبیعی، فرسنگ‌ها با هم فاصله داشتند و یا از نظر سیاسی تحت تابعیت و حاکمیت حکومت‌های متفاوتی بودند، اما از نظر فرهنگی، همیشه بخشی از ایران فرهنگی حساب می‌شدند

فرهنگ ایران

دیاکونف، منطقه‌ی سغد نام خود را از یک شاهزاده‌ی هخامنشی گرفته است که در سده‌ی پنجم پیش از میلاد بر آنجا حکومت می‌کرد (ص ۱۱۳). در زمان کورش، پادشاه هخامنشی نیز، پارسیان تا مناطق حاشیه رود سیحون حاکمیت داشتند. (تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، بخش اول از جلد دوم، ص ۲۴). هدف اسکندر از حمله به آسیای مرکزی و مناطق شرقی ایران، درهم شکستن بقایای پشتوانه هخامنشیان در مناطق شرقی بوده است. (تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی بخش اول از جلد دوم، ص ۶۱). در دوره اشکانیان نیز بین ایرانیان و چین روابط برقرار بوده و بین دو طرف سفیرانی رفت و آمد می‌کردند. سفیران چینی، گیاهانی مانند یونجه و انگور و اسفناج و خرما را از ایران به چین برده و در آنجا کاشته بودند (آذری، ۲۳؛ صص: ۲۰؛ ۳۲؛ ۴۴). شیوه کندن قنات در ترکستان چین نیز از ایرانیان اقتباس شده بود (آذری، ص ۴۴).

در اوایل حکومت ساسانیان، نفوذ فرهنگی ایران در آسیای میانه بیش از پیش افزایش یافت و نفوذ فرهنگ هند در این منطقه رو به کاهش گذاشت؛ اما به سبب اشتغال ساسانیان به جنگ با بیزانس در غرب، شرق محل تاخت و تاز ترکان شد و ترکان توانستند مناطقی از ماوراءالنهر و خراسان را تصرف کنند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۵۴). در عین حال روابط تجاری ایران و چین از طریق ترکستان برقرار بود. زبان فارسی دری، زبان رسمی دربار ساسانی، به سغد راه یافت و توسط تاجران سغدی به کار می‌رفت (فرای، میراث باستانی، ص ۴۰۱؛ آزادی، ص ۳۵-۳۴). چین ظاهراً به عنوان آخرین پناهگاه شاهزادگان ساسانی و آخرین شهریار آن سلسله بوده است. در همان دوره بود که ترک‌ها پس از تسخیر این نواحی در معرض تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفتند و زرتشتی شدند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۵۴). بر این اساس، نفوذ فرهنگی ایران در آسیای میانه به زمان هخامنشیان بازمی‌گردد (فرای، میراث باستانی، صص ۴-۵).

۴- تجارت ایرانیان در شرق

ایران از روزگاران باستان سرزمین کم‌باران و کم‌آبی بود و همان‌طور که پیش از این گذشت، در احاطه چندین بیابان بزرگ قرار داشت و امکان کشاورزی در آن کم بود و بخشی از مردم برای اشتغال و کسب درآمد، به تجارت می‌پرداختند. از این رو تجارت برای ایرانیان به‌ویژه در آسیای میانه اهمیت فراوانی داشت (فرای، عصرزین، صص ۵۶-۵۷). مسیر زمینی تجارت بین ایران و چین، از منطقه‌ی ماوراءالنهر و همان راهی بوده که بعدها با نام جاده‌ی ابریشم معروف شده است. ایرانیان، به‌ویژه سغدیان که مهم‌ترین

است و تمام اقوامی که از شمال و شرق به این سرزمین می‌آمدند، بدوی و فاقد مدنیت و فرهنگ بودند؛ در نتیجه به صورت طبیعی مغلوب فرهنگ ایران می‌شدند. با وجود سکونت اعراب در جریان فتوحات سده اول هجری و نفوذ تدریجی ترکان بر سغد از سده اول تا سده پنجم هجری، رهبری در ایران شرقی همچنان در دست ایرانیان بود. (فرای، عصر زین، صص ۵۶) و وزیران و مسئولان اجرایی به ناچار از میان ایرانیان انتخاب می‌شدند یا حاکمان محلی ایرانی مانند دهقانان و بخاراخداها و اخشیدها با پرداخت اندک مالیاتی به فاتحان، همچنان در مصدر قدرت باقی می‌ماندند. به اعتقاد ریچارد فرای، هم‌اکنون نیز در کشورهای ترک‌زبان و ترک‌تبار آسیای میانه، که از زمان حمله مغول تا دو قرن پیش اغلب به صورت بیابانگردی زندگی می‌کردند، نشانه‌های تأثیر چشمگیر فرهنگ ایرانی مشهود است (فرای، عصرزین، ص ۵۲).

این منطقه همچنین پناهگاه مهاجران بسیاری بود که به علل مختلف اقتصادی و اجتماعی از نقاط جنوبی و غربی ایران به این سمت مهاجرت می‌کردند. از اواخر سده اول هجری، فاتحان عرب مسلمان نیز به جمعیت این منطقه افزوده شدند که تأثیر قابل توجهی در اصطلاحات و مفردات زبان مردم این منطقه داشتند؛ اما در شاکله فرهنگ ایرانی این منطقه تغییر قابل توجهی ایجاد نکردند. به طوری که اولین نشانه‌های تجدید حیات فرهنگی ایرانیان که استفاده از زبان فارسی بود، از همین منطقه شروع شد.

۳- حاکمیت ایرانیان در شرق از زمان‌های اساطیری و پس از آن

از روزگاران اساطیری، ایرانیان با مناطق شرقی و آسیای مرکزی تا چین ارتباط فرهنگی و اقتصادی و سیاسی داشتند. در تاریخ اساطیری ایرانیان منقول است که فریدون پادشاه افسانه‌ای ایران زمین، مناطق شرقی ایران تا چین را به یکی از پسران خود یعنی تور، داده بود و بدین سبب بود که ایرانیان این مناطق را توران می‌نامیدند. با این حساب، مناطق فوق‌الذکر تا چین متعلق به ایرانیان بود که با ایجاد اختلاف بین فرزندان فریدون از ایران جدا شدند (آذری، ص ۱۳) و سرزمین توران به دشمنی در برابر ایران بدل گشت. در دوره‌ی هخامنشی، ماوراءالنهر تا شمال چین (آذری، ص ۱۵)، بخشی از قلمرو شاهنشاهی ایران بوده است (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۹۳). در کتیبه‌های هخامنشی و ساسانی بخش وسیعی از مناطق ماوراءالنهر از جمله سغد، جزو ایران شمرده شده است (بارتولد، گزیده مقالات، صص ۳۱۰-۳۰۹). ایرانیان احتمالاً اولین قومی بودند که در این مناطق حکومت و مدنیت ایجاد کرده بودند (بارتولد، گزیده مقالات، ۹۴؛ دیاکونف، ص ۸۴). به اعتقاد

مغولان و ترکان، بازرگانان ایرانی شاعلی در ترکستان را که اغلب مردم با فضل و دانشی نیز بودند، با نام سارت و سارتاق می‌شناختند (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۴۲۳؛ تاریخ ترک‌ها، ص ۱۴۹). به اعتقاد بارتولد، این سارت‌ها که در نظر مردم ترک و مغول، از احترام بسیاری نیز برخوردار بودند، بیش از آن که تاجران و سوداگران گذری باشند، نمایندگان یک نوع تمدن به شمار می‌رفتند که بسیاری از آداب و آیین‌های اجتماعی و مدنی و صنعت هم‌چون آبیاری مصنوعی را از آنان آموخته بودند (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۳۲۳؛ تاریخ ترک‌ها، ص ۱۵۰). کلمه سارت گاهی مترادف با تاجیک و ایرانی شمرده می‌شد و زبان آنان در برابر زبان ترکی، به زبان سارتی مشهور بود (بارتولد، گزیده، ص ۴۲۵-۴۲۳). در مرغینان از توابع فرغانه در شرق ماوراءالنهر، در سده‌های سوم و چهارم هجری، به زبان سارتی که همان زبان ایرانی باشد، تکلم می‌کردند (بارتولد، گزیده، ص ۵۷). ترکان، ایرانیان را گاهی تات و گاهی تاجیک نیز می‌گفتند (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۳۲۰ و ۳۲۴).

۵- مهاجرت ایرانیان از غرب و جنوب به مناطق شرق

ایران از سمت غرب یک‌بار در روزگار حاکمیت هخامنشیان (در سده سوم قبل از میلاد)، مورد حمله‌ی اسکندر مقدونی و سلوکیان قرار گرفت؛ یکبار نیز در اواخر حکومت ساسانیان، مورد تاخت و تاز اعراب مسلمان قرار گرفت، که برای مدت دو قرن بر سرنوشت سیاسی ایران مسلط شدند. مرکز حکومت اعراب چه در دوره اموی و چه در دوره عباسی در غرب ایران بود و طبیعی است که نفوذ آنان در غرب بیشتر بوده و بیشترین فشار آنان بر مردم غرب ایران وارد می‌شده است. این امر سبب می‌شد که بخش‌های قابل توجهی از ایرانیان از جمله مردم فارس و جنوب و غرب ایران برای رهایی از این فشارها به سمت شرق ایران به ویژه سغد که منطقه خوش آب و هوا و پر نعمتی در شرق بود (نر شخی، ص ۶۴)، مهاجرت کنند و در آن‌جا پناهنده و مقیم شوند

مردم ماوراءالنهر بودند (فرای، میراث باستانی، ص ۳۹۰)، از اولین سده‌های میلادی، و پیش از بالا گرفتن کار ترکان در آسیای میانه و حمله اعراب مسلمان بدان‌جا، در آسیای میانه و سیبری و جنوب روسیه تا شمال چین و آلتایی و مغولستان، تاجرانی سخت‌کوش بودند (نر شخی، ص ۲۶ و ۲۸؛ بارتولد، گزیده مقالات، ص ۹۷ و فرای، میراث باستانی، صص ۲۶۸:۲۷۰-۲۶۵:۳۹۲) و در آبادی‌های واقع در امتداد جاده‌های آسیای میانه، پراکنده بودند (دیاکونف، ص ۳۰۲؛ فرای، عصر زرین، ص ۴۵) و سکونتگاه‌های مهاجرنشین تشکیل می‌دادند که آثار آن‌ها در سمرقند و ترکستان چین و مغولستان و چین نیز پیدا شده است (فرای، عصر زرین، ص ۱۱۵:۴۵؛ بارتولد، گزیده مقالات، صص ۳۱۱-۳۱۴). سغدیان در واقع واسطه‌ی بین شرق دور و غرب آسیا و اروپا بودند و کالاهای چینی اعم از ابریشم و ظروف چینی و مشک و کاغذ را از چین می‌خریدند و به اروپای شرقی می‌بردند (نر شخی، ص ۲۸؛ دیاکونف، تاریخ ایران، ص ۳۶۱-۳۶۳:۳۰۲؛ فرای عصر زرین، ص ۱۱۵:۲۲۳). این مناسبات تجاری پیوسته در طول تاریخ، حتی در زمان سامانیان در قرن چهارم هجری، در سطح گسترده برقرار بود (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۲۰۷).

سغدیان در قرن هفتم هجری نیز در مغولستان غربی مهاجرنشین سغدی داشتند (بارتولد، گزیده مقالات، صص ۴۴۶-۴۴۷). در همین زمان بلاساغون در شمال چین، یک مهاجرنشین سغدی بوده است (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۴۴۷). سغدیان از شرق تا غرب آسیا به‌عنوان بازرگان شناخته می‌شدند. نقش این مردم در پراکندن فرهنگ ایران در میان ترکان با شواهد بسیار تأیید می‌شود. از جمله این شواهد، فراوانی واژه‌های سغدی در ترکی کهن و نیز گسترش آیین مانی در میان بیابانگردان است (فرای، میراث باستانی، ص ۳۹۰) و زبان‌های ایرانی تا دو سده‌ی قبل از میلاد در شمال چین مورد استفاده بود (فرای، میراث باستانی، ص ۲۶۹).



نامه‌ای مانوی به خط سغدی

وقتی که ترکان و مغولان بر آسیای مرکزی حکومت می‌کردند، شعر فارسی و مضامین مطرح شده در آن، به عنوان یک کالای ارزشمند فرهنگی، در همه دربارهای آسیای مرکزی مشتری داشت و قابل فهم بود و علمایی در دورترین نقاط فرغانه و اوش بودند که به فارسی یا عربی می‌نوشتند و می‌خواندند

سغدی در ترکستان چین پیداشده (فرای، میراث باستانی، ص ۲۹۹) منابع چینی از وجود ایرانیان در ترکستان چین سخن دارند و آثار ادبی متعلق به اقوام سکایی این مطلب را تأیید می‌کند (فرای، میراث باستانی، ص ۲۶۵) از ترکستان چین نامه‌هایی به زبان سغدی به دست آمده که تاریخ آن‌ها به اوایل قرن چهارم هجری بازمی‌گردد (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۳۱۱-۳۱۳: تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، بخش دوم از جلد دوم، ص ۵۶).

۶- تأثیر زبان فارسی در زبان ترکی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، بخشی از ساکنان کوچ‌نشین ماوراءالنهر به زبان ترکی سخن می‌گفتند. این مردم به سبب نوع خاص زندگی خود، با واژه‌ها و کلمات محدودی که زندگی کوچ‌نشینی و دامپروری اقتضا می‌کرد، مأنوس بودند. وقتی که این بیابانگردان کوچ‌نشین به هر علتی مجبور به برقراری ارتباط با شهرنشینان و یکجانشینان ایرانی می‌شدند، محدودیت‌های زبانی آنان جلوه بیشتری پیدا می‌کرد. آنان که فرصت واژه‌سازی نداشتند، مجبور بودند برای رفع نیازهای زبانی خود، کلمات و اصطلاحات فارسی را که در اطراف شان رایج بود، اقتباس کنند. از این رو، تأثیر زبان فارسی در زبان ترکی آسیای میانه امری مسلم و غیرقابل انکار است. این مطلب را با دقت در واژه‌های فراوان ایرانی و فارسی موجود در زبان‌های ترکی موجود در این منطقه می‌توان دریافت. زبان فارسی به عنوان زبان بین‌المللی در بخش شرقی فرهنگ ایرانی شناخته شده (فرای، عصر زرین، ص ۱۱۶) و بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات ایرانی از مغرب ایران به ماوراءالنهر راه یافته بود (فرای، عصر زرین، ص ۱۱۶). این حقیقتی است که محمود کاشغری مؤلف دیوان لغات الترك (فرهنگ ترکی - عربی) در قرن پنجم هجری بدان اعتراف کرده و آورده است که زبان ترکی پیوسته نیازمند زبان تاتی (فارسی) است و زبان ترکی بدون زبان تاتی ناقص و نارساست (ص ۳۲۸؛ بارتولد، گزیده، ص ۳۳۳). امروزه هرچند زبان رایج در مناطقی مانند قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکی است، اما هر پژوهشگری، با تجزیه و تحلیل ساختار این زبان‌ها متوجه این مطلب می‌شود که این زبان‌ها در ساختار و قالب زبانی خود، کاملاً از زبان فارسی الگوبرداری کرده‌اند. ضمن این‌که کلمات ایرانی را به وفور در لابلای جملات ترکی خود به کار می‌برند. زبان سغدی که از گروه زبان‌های ایرانی است، به وسیله بازرگانان سغدی به شمال چین راه یافته بود (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۶۲) و اویغورها از قدیم الفبای سغدی را فراگرفته بودند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۶۳؛ گزیده مقالات، صص ۳۱۴-۳۱۳).

(بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۵۶؛ فرای، میراث باستانی، صص ۳۹۱؛ ۴۰۲) و حتی گاهی از مرزهای جغرافیایی نیز فراتر رفته و تا شمال چین پیش بروند و مناطق و سکونت‌گاه‌های ایرانی در شرق دور و آسیای میانه ایجاد کنند (فرای، عصر زرین، صص ۱۱۳-۱۱۲؛ مقدسی، صص ۳۹۷) و زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در آن‌جا گسترش دهند (فرای، عصر زرین، صص ۱۱۷-۱۱۶؛ میراث باستان، ص ۴۰۲). آنان گاهی زبان و لهجه‌های سغدی را مغلوب خود ساخته و زبان فارسی غربی را جایگزین لهجه‌های سغدی و بومی می‌کردند و حتی افسانه‌های شاهان ایرانی را به خود اختصاص می‌دادند (فرای، میراث باستانی، ص ۴۰۲؛ بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۵۶). تأثیر ایرانیان مهاجر در میان ترکان آن قدر قابل توجه است که بارتولد از عبارت ایرانی شدن ترک‌ها استفاده کرده است (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۵۶).

فتوحات اعراب مسلمان، به یک صورت دیگر نیز در مهاجرت ایرانیان غربی و جنوبی به سمت شرق مؤثر می‌افتاد؛ گروهی از ایرانیان که به اعراب پیوسته و مولا شده بودند، به همراه سپاه قتیبه بن مسلم و دیگر سرداران عرب به سمت شرق می‌آمدند و ضمن شرکت در فتوحات مناطق شرقی (نرشخی، صص ۶۲-۶۱؛ ۶۶-۶۷؛ ابن اثیر، جلد ۳ صص ۱۹۵-۲۰۴ و ۲۱۵-۲۲۳)، در همان‌جا ماندگار می‌شدند.

گاهی نیز در اثر ظلم ساسانیان، مردم مناطق غربی و مرکزی ایران به سمت شرق مهاجرت می‌کردند (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۱۹۵) که در میان اینان تعداد مانویان زیاد بود.

در شرایط سخت و دشواری که بعدها در اثر ستم مهاجران عرب در منطقه ماوراءالنهر اتفاق می‌افتاد، مردم بومی بخارا و سغد به سمت چین و ترکستان نقل مکان (نرشخی، صص ۶۳؛ ۷۳) و مهاجرنشین‌های سغدی ایجاد کردند (فرای میراث باستان، ص ۷۶؛ بارتولد، گزیده مقالات، ص ۳۱۴) بدون اینکه ارتباط خود را با فرهنگ و دیار خود قطع کرده باشند. مهاجرت ایرانیان در دوره‌های مختلف به سمت چین ادامه داشت به طوری‌که در سال ۷۸۷ میلادی، در شهر چنگ آن چین حدود چهار هزار ایرانی می‌زیستند (آذری، ص ۵۴).

مقدسی در قرن چهارم هجری، از اقامت حدود ده هزار اصفهانی در شهر شلجی در شرق ماوراءالنهر به سمت چین و مغولستان سخن دارد (مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۳۹۷). این گروه احتمالاً برای تجارت به این نقطه آمده بودند.

در استان شان سی چین، کتیبه‌ای به زبان فارسی میانه وجود دارد که حاکی از حضور ایرانیانی است که در سده اول هجری از مقابل اعراب گریخته بودند (فرای، عصر زرین، ص ۱۱۳). همچنین پاره‌هایی از داستان رستم به زبان

پس از ورود اسلام به ایران از سمت غرب و جنوب، مناطق شرقی نیز اسلام را پذیرفتند و منطقه ماوراءالنهر به یکی از قطب‌های مطالعه و تبلیغ اسلام بدل شد و از حوزه‌های علمی و دینی آن‌جا دانشمندان زیادی برآمدند و آثاری تألیف کردند که اعتبار علمی آنان هنوز هم در دنیای اسلام باقی است

فرهنگ ایران

باستانی، ص ۶۳؛ عصر زرین، ص ۴۹)

وقتی که ترکان و مغولان بر آسیای مرکزی حکومت می‌کردند، شعر فارسی و مضامین مطرح شده در آن، به عنوان یک کالای ارزشمند فرهنگی، در همه دربارهای آسیای مرکزی مشتری داشت و قابل فهم بود و علمایی در دورترین نقاط فرغانه و اوش بودند که به فارسی یا عربی می‌نوشتند و می‌خوانند.

۸- دین و اعتقادات مشترک

دین قدیم ایرانیان زرتشتی بود که از غرب تا شمال شرقی ایران نفوذ و گسترش داشت. آیین زرتشت در شرق ایران چنان قوی و پر دامنه بود که عده‌ای همچون ریچارد فرای، (میراث باستانی، ص ۵۲-۵۰)، احتمال شرقی بودن زرتشت را قوی‌تر دانسته‌اند. زیرا برخی بر آنند که زرتشت در آذربایجان یا قفقاز در شمال غربی ایران متولد شده است. اگر شرقی بودن زرتشت درست باشد، پیوند بین ایران غربی و مناطق شرقی بسیار ریشه دار و دیرپا خواهد بود. دین‌های زرتشتی و مانوی به وسیله مبلغان سُغدی که احتمالاً در قالب بازرگان بودند، از ایران تا میان تُغزُرها که از اولین گروه‌های ترک مذکور در سده دوم هجری/ هشتم میلادی، هستند، و اویغورها و کوچ‌نشینان آسیای میانه راه یافته بود (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۶۱؛ آذری، ص ۳۵؛ دیاکونف، ص ۳۳۸). ترکان اویغوری مانویت را به شمال چین برده و در آنجا نیز گسترش داده بودند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، ص ۶۴)

معابد مانویان و آتشکده‌های زرتشتیان در بخارا و سغد، تا شمال چین پراکنده بوده است (نرشخی، ص ۲۳؛ بیرونی، ص ۳۰۹؛ آذری، ص ۳۵). حتی مسیحیان نستوری که به نوعی ایرانی حساب می‌شدند، در زمان ساسانیان در این مناطق تا شمال چین کلیسا و معبد ساخته و آیین خود را تبلیغ می‌کردند (آذری، ص ۳۵) که آثار تاریخی و اسناد و نوشته‌های آنان در ترکستان چین پیدا شده است و بیانگر نفوذ ایرانیان در این مناطق است. (فرای عصر زرین، صص ۶۷-۶۱).

پس از ورود اسلام به ایران از سمت غرب و جنوب، مناطق شرقی نیز اسلام را پذیرفتند و منطقه ماوراءالنهر به یکی از قطب‌های مطالعه و تبلیغ اسلام بدل گردید و از حوزه‌های علمی و دینی آن‌جا دانشمندان زیادی در علوم اسلامی برآمدند و آثاری تألیف کردند که اعتبار علمی آنان هنوز هم در دنیای اسلام باقی است.

۷- مشترکات فرهنگی و تمدنی

ایرانیان در بعد فرهنگی همچون معماری، نامگذاری، آداب و رسوم، عبادات، دین و خط و زبان و ادبیات، لباس، غذا در این منطقه تأثیر ماندگار گذاشته بودند.

هم‌اکنون نیز در کشورهای آسیای میانه، بسیاری از مصطلحات رایج مدنی و شهری مانند شهر، ایام هفته، خیابان (شایولی = شاهراه) کوچه، اسامی اماکن عمومی و خدماتی مانند دکان، درمانگاه، دلاک خانه، حاجت خانه، خانم، جناب، مهمان، و بسیاری دیگر از کلمات روزمره، از زبان فارسی اقتباس شده است. بخش قابل توجهی از نام‌های رایج دختران و پسران در این کشورها، نام‌هایی است که در سایر نقاط ایران نیز کاربرد دارد (نرشخی، صص ۱۳ و ۱۸-۱۶). نام شهرها و روستاها هنوز هم اکثراً فارسی است. به تعبیر فرای، نام فرغانه که منطقه وسیعی در کشور قرقیزستان کنونی است، از نام یک قوم مهاجر ایرانی گرفته شده است (فرای، میراث باستانی، ص ۷۵).

در آسیای میانه کشور - شهرهای کوچکی بودند که راه و رسم زندگی و گرایش‌های حماسی ایرانی داشتند (فرای، میراث باستانی، ص ۳۹۱). بسیاری از حماسه‌های جنگ ایرانیان و تورانیان همچون داستان‌های رستم، اسفندیار، افراسیاب، زال، و هفت‌خان‌های شاهنامه، با مضامینی بسیار نزدیک به یکدیگر در متون تاریخی و اذهان عمومی ساکنان ایران شرقی تا چین یافت می‌شوند که از قرابت‌های بی‌شمار رسم‌ها و آداب و عادات اجتماعی آنان و گذشته مشترک آنان حکایت دارد. این موضوع، نشان از ایرانی بودن آن منطقه دارد؛ زیرا این افسانه‌ها و اسطوره‌ها اگر افسانه هم یا شد، توسط ایرانیان نقل شده است نه ترکان (فرای، میراث باستانی ایران، ص ۶۸).

ماه‌های سغدیان و مجوس‌های ساکن ماوراءالنهر همانند ماه‌های پارسیان بود (بیرونی، ص ۷۳) و آنان همانند دیگر ایرانیان، دوازده ماه سال را به چهار فصل تقسیم می‌کردند. آنان اعیاد متعددی داشتند که در روزهای مختلفی از سال برگزار می‌شد و همانند اعیاد ایرانیان بود (بیرونی، ص ۳۰۹-۳۰۸). در این میان آیین عید نوروز از آیین‌های مشترک بین ایرانیان و تمام اقوام و ملت‌های ساکن در آسیای میانه بوده و هست (نرشخی، ص ۳۳) که بیانگر ارتباط فرهنگی بین این ملت‌ها با ایران و فرهنگ ایرانی است (بیرونی، ص ۲۸۲). ساختن کاخ از سوی حاکمان این مناطق برگرفته از فرهنگ ایرانیان بود (نرشخی، ص ۳۴-۳۳). استفاده از نظام آبیاری منظم در ماوراءالنهر که سابقه‌ای دیرینه دارد، از کارهای ایرانیان است (فرای، میراث

۹- زبان فارسی زبان رسمی مشترک

زبان فارسی، به مدت چندین قرن، زبان ادبی و بین‌المللی ترکستان بود. در سده‌های سوم و چهارم هجری که سامانیان بر شرق ایران حاکمیت داشتند، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی مورد توجه قرار گرفت و قرآن و برخی کتب دیگر مانند تاریخ طبری به زبان فارسی ترجمه شدند.

ترکان قراخانی در سال ۳۸۹ هجری، با حمله و استیلای بر ماوراءالنهر، سامانیان را برانداختند و حکومت مناطق شرق ایران به دست ترکان افتاد. در قلمرو حاکمیت قراخانیان (قرن‌های چهارم و پنجم هجری) در حوزه سازمان اداری و ادبیات، زبان فارسی رواج بیشتری یافت و به تدریج جای زبان عربی را گرفت. دلیل روشن گسترش زبان فارسی در این دوره را می‌توان از اینجا دریافت که کتاب تاریخ بخارا که در قرن چهارم هجری و در دوره سامانیان به زبان عربی نوشته شده بود، در قرن ششم هجری در زمان حکومت ترکان - بر اساس توضیحات مترجم - به دلیل این که دیگر کسی رغبتی به خواندن متون عربی نشان نمی‌داد، به زبان فارسی ترجمه شد (نرشخی، مقدمه کتاب؛ بارتولد، گزیده مقالات، صص ۱۵۴ و ۳۲۲). حتی در حوزه آموزش‌های دینی، زبان فارسی زبان عربی را از میدان بیرون کرد و استادانی بودند که در مدرسه‌ها به زبان فارسی درس می‌دادند و یا مانند نجم‌الدین عمر نسفی کتاب‌های دینی به زبان فارسی می‌نوشتند. هم‌چنین در دربار خان‌های سمرقند در قرن‌های پنجم و ششم هجری شاعران فارسی‌گوی بسیاری حضور داشتند که از حمایت خان بهره‌مند بودند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۵۵).^۲ سلاطین ترک تحت تأثیر اشعار حماسی فارسی قرار می‌گرفتند؛ به طوری که گاهی نام‌های باستانی فارسی را برای خود در کنار نام‌های ترکی برمی‌گزیدند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۵۴). در دوره‌ی حاکمیت مغولان بر ترکستان تا چین در سده‌های هفتم و هشتم هجری نیز زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و ادبی، استفاده می‌شد. مغولان در سال ۶۴۴ هجری نامه‌ی رسمی برای پاپ نوشتند و پلان کارپین فرستاده پاپ آن را برد. این نامه به زبان فارسی بود (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۶۲). هم‌چنین چندین دانشمند ایرانی همچون محمود یلواج خوارزمی، از طرف مغول‌ها در مناطق شمال چین و ترکستان فرمانروا بودند (آذری، صص ۸۶ - ۸۵) و علما و مهندسان ایرانی در آن‌جا به کار و فعالیت اشتغال داشتند (آذری، صص ۸۸-۸۹). حتی این اعتقاد وجود دارد که شاعر بزرگ چینی به نام لی - پو اصلت ایرانی داشته است (آذری، صص ۶۶).

در زمان حکومت قوییلای خان مغول در قرن هفتم هجری در چین، شمس‌الدین عمر بخاری مسلمان ایرانی به مقام وزارت نیز رسیده بودند (آذری، صص ۸۷). این وزیر احتمالاً در گسترش زبان فارسی در میان چینیان مؤثر بوده است.

به موجب روایت ابن بطوطه جهانگرد مسلمانانی که در قرن هشتم از چین دیدار کرده، زبان فارسی در مناطقی از چین رواج یافته بود؛ به ویژه آن‌هایی که به آیین اسلام گرویده بودند، ظاهراً ایشان به‌وسیله‌ی ایرانیان مسلمان شده بودند. بی‌تردید در آن زمان هزاران ایرانی که به عناوین مختلف به چین رفته بودند و در امور سیاسی و مذهبی و تجاری دست داشتند، باعث اشاعه‌ی زبان فارسی در آن کشور شده بودند (آذری، صص ۸۹). ابن بطوطه خنیاگران چینی را دیده بود که شعرهای فارسی سَعدی را به آواز می‌خواندند و شاهزادگان چینی آوازهای فارسی را بسیار دوست می‌داشتند (ابن بطوطه،

جلد ۲ صص ۳۰۵).

ابن بطوطه از ایرانیان بسیاری در شهرهای چین یاد کرده که به امور قضایی، دینی و اجرایی و تجاری اشتغال داشتند و نسبت‌های اردبیلی، اصفهانی، و تبریزی داشتند (آذری، صص ۹۲). با توجه به این نکته، این سخن متواتر که کتاب‌های دینی مسلمانان در چین به زبان فارسی است، کاملاً تأیید می‌شود. در استان سین کیانگ چین که مرکز اصلی مسلمانان چین است، ایرانیان زیادی ساکن بودند که تاکنون هم اسامی فارسی و خراسانی خود را حفظ کرده‌اند (آذری، صص ۶۶). شعرهای فارسی چندی در چین پیدا شده که متعلق به روزگار پیش از تیموریان است (آذری، صص ۹۲-۹۱).

تیموریان (قرن نهم هجری) نامه‌های اداری و رسمی خود را به زبان فارسی می‌نوشتند. تیمور لنگ هم زبان فارسی می‌فهمیده است و از همین رو بود که وقفنامه بنای مقبره احمد یسوی را که وی ساخته بود، به زبان فارسی نوشت (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۲۴۸). شاهرخ تیموری نامه‌هایی به زبان فارسی برای پادشاه چین نوشته بود (اصفهانی، صص ۲۲۷-۲۲۴) در خان‌نشین‌های بخارا و خجند که زبان محلی‌شان ترکی بود، جز در موارد استثنایی، زبان فارسی به عنوان زبان رسمی در نوشته‌های حوزه اقتصادی و اجتماعی، به کار می‌رفت (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۴).

در کاشغر در شمال چین نفوذ زبان فارسی محسوس بود و به تدریج افزایش یافت. حتی در قرن هفدهم میلادی در آنجا یک اثر تاریخی به زبان فارسی نوشته شده است (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۵۵).

تأخیر یکصد سال پیش و پیش از آن که روس‌ها بر این مناطق غالب شوند، خط و زبان مورد استفاده اغلب اهل علم در ترکستان، زبان فارسی بود (یادداشت‌های عینی). کتاب‌هایی مانند خوارزم تاریخی، بایرنامه، دیوان‌های شعر ترکی مانند دیوان اشعار بایرام خان بهارلی مربوط به سده یازدهم هجری و محبت‌نامه خوارزمی متعلق به سده سیزدهم هجری از جمله دیوان‌های شعر ترکی هستند که یا اشعار فارسی دارند و یا در اشعار ترکی خود عبارات و کلمات فارسی را به وفور به کار برده‌اند. کتاب‌های خطی بسیاری در موزه‌های این کشورها نگهداری می‌شود که به خط و زبان فارسی است.

۱۰- مهاجرت صوفیان و عارفان ایرانی به شرق

بسیار اتفاق می‌افتاد که صوفیان و عارفان ایرانی که از فضای اختناق و خفقان و درگیری‌های مذهبی عصر سلاجوقی و پس از آن به ستوه آمده بودند، برای تبلیغ دین اسلام و انجام وظیفه و رسالت خود به مناطق شرقی و میان اقوام ترک مهاجرت می‌کردند. این گروه تا روزگاران اخیر هم موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اند (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۸۶). نام نیک آنان در یادهای ترکان زنده است و مزارها و بناهای یادبود فراوانی در آسیای میانه برایشان بنا شده است. خواجه یوسف همدانی (قرن ششم هجری) از اولین صوفیان مهاجر بود (بارتولد، تاریخ ترک‌ها، صص ۱۶۲). این گروه علاوه بر زبان ترکی، برای تبلیغ عقاید خود از داستان‌ها و اشعار فارسی نیز استفاده می‌کردند. پیروان طریقت‌های صوفیه مانند بکتاشیه، غجدوانیه، نقش‌بندیه، و... در این مناطق پراکنده بودند. اشعار مختومقلی فراغی (قرن دوازدهم هجری / هجدهم میلادی) که هم‌اکنون نیز مورد توجه افراطی ترکان آسیای مرکزی است، سرشار از کلمات و عبارات و اصطلاحات ادبی

انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲.

- تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، مجموعه مقالات، ترجمه صادق ملک شه‌میرزادی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶.
- خوارزمی، محبت‌نامه، (دیوان شعر به زبان ترکی)، انتشارات ادبیات شرق، مسکو، ۱۹۶۱ م.
- دیاکونف، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
- رضا، عنایت‌الله، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

- سمعی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تصحیح عمر البارودی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ ق/۱۹۹۸ م.

- سوزنی سمرقندی، شمس‌الدین محمد بن علی، دیوان، تصحیح ناصرالدین شاه حسینی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۳۸.

- عینی، صدرالدین، یادداشت‌ها، به کوشش سعیدی شسیرجانی، تهران، غفرانی، علی، فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر... قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

- غفور بابا جان، تاجیکان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.

- فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۵۸.

- قدامه بن جعفر، کتاب الخراج و صنعه‌الکتابه، ترجمه دکتر حسین قرچانلو، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.

- کاشغری، محمود بن حسین، دیوان لغات‌الترک، ترجمه و تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵ ش.

- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، - مختومقلی فراغی، دیوان اشعار، تصحیح مراد دوردی قاضی، مشهد، انتشارات گل‌نشر، ۱۳۸۳.

- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم، ترجمه دکتر علیقلی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.

- مولوی، جلال‌الدین محمد، کلیات دیوان شمس، به کوشش دکتر ابوالفتح حکیمیان، تهران، انتشارات پژوهش، ۱۳۸۵.

- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، تصحیحی مدرس رضوی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۳.

- نسفی، نجم‌الدین عمر، القند فی ذکر علماء سمرقند، تصحیح یوسف الهادی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.

- نظامی عروضی سمرقندی، چهارمقاله، تصحیح محمد قزوینی و مقدمه دکتر محمد معین، تهران، زوار، ۱۳۳۳.

- نوبی، امیر علی شسیر، محاکمه‌اللغتین، ترجمه تورخان گنج‌های، تهران، چاپ‌خانه‌ی فردوسی، ۱۳۲۷ ش.

پی‌نوشت

- ۱- برای اطلاع بیشتر در این باره به کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراءالنهر از سقوط سامانیان تا حمله مغول، صفحات ۵۷-۵۳ مراجعه شود.
- ۲- برای اطلاع بیشتر در این باره، نک ک غفرانی، علی منبع پیشین.

فارسی و فرهنگ ایرانی - اسلامی است. در تمام زبان‌های ترکی رایج در ایران و کشورهای همسایه، کلمه فارسی خواجه، که به صورت‌های خوجه، قوجا و قوجه، نیز آمده است، به معنای معلم، استاد و در معنای عرفانی مرشد و پیر به کار می‌رود. مطالب مکتوب در کتاب‌هایی که در ماوراءالنهر نوشته شده‌اند، برگرفته از کتب پارسیان است. (نرشخی، ص ۲۳)

۱۱- دهقانان میراث‌داران فرهنگ و ادب ایرانی

دهقانان یا همان زمینداران بزرگ ایرانی‌تبار، پس از اسلام در ماوراءالنهر و ترکستان (بارتولد، گزیده مقالات، ص ۳۱۷)، یک طبقه‌ی اجتماعی ممتاز، صاحب قدرت و نفوذ سیاسی و فرهنگی در میان مردم اسکان یافته ماوراءالنهر بودند (ابن خردادبه؛ قدامه، صص ۵۵ و ۵۴؛ نرشخی، صص ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱